

## وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۱۳۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ ثبت : ۲۰ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : عوامل کنترل علم، غضب، شهوت و عقل

«بسمه تعالی»

### عوامل کنترل علم، غضب، شهوت و عقل

حضرت ملاصدرا در جلد نهم اسفار در تمه سفر چهارم و در شرح ملکات نفس انسانی سخن گفته است. ایشان در فصل دوم از باب نهم، در صفحه 88 ذیل اوصاف نفس انسانی می‌فرماید:

و قال النبی (ص) بعثت لأتمم مکارم الأخلاق، و كما أن للإنسان صورة ظاهرة حسنها بحسن الجميع و اعتداله و قبحها بقبح البعض فضلا عن الجميع فکذلک الصورة الباطنة لها أركان لا بد من حسن جميعها حتى يحسن الخلق و تحصل الحکمة و الحرية و هی أربعة معان قوة العلم و قوة الغضب و قوة الشهوة و قوة العقل و العدل بین هذه الأمور.

پیغمبر اکرم فرمود: من برانگیخته شدم تا خوی های نیک را به کمال و تمام برسانم. ملاصدرا در ادامه می‌فرماید: همانطور که ظاهر و صورت انسان اعضایی دارد که اگر آن اعضا با یکدیگر تناسب داشته باشند، صورت ظاهر زیبا می‌شود، سیرت و نفس انسان هم ارکانی دارد که در صورت اعتدال زیبا شده و در آن حسن خلق و حکمت و حریت که مجمع فضایل هستند حاصل می‌شود.

ملاصدرا ضعف و قدرت نفس را بر چهار پایه نهاده و به عواملی که در شدت و ضعف اشراق نفس اثر گذارند اشاره می‌کند؛ آن علل: 1. علم 2. غضب 3. شهوت 4. عقل و عدالت و برابری بین این امور است. در بدو امر ممکن است «علم» و «عقل» را مثبت و «غضب» و «شهوت» را منفی تلقی کنیم و با خود چنین بیندیشیم که آن‌که در وادی علم و عقل باشد نفسش قوی و آن‌که در غضب و شهوت باشد نفسش ضعیف است؛ اما آیا می‌شود به ظاهر امر قضاوت کرد یا به واقع در درون این عوامل رموز دیگری نهفته است؟ آیا آن‌که در غضب است همیشه این حالت را داراست یا آن فردی که دارای نیروی عقل است همیشه از آن بهره می‌گیرد؟ اصولاً غضب یا شهوت تماماً منشأ شر هستند یا گاهی موجب خیر و سعادت هم می‌شوند؟...

اگر به متن اسفار بازگردیم داشتن هریک از این قوا عالی است، اما به شرط تعادل؛ آن چیزی که آن‌ها را به سمت شر می‌برد افراط و تفریط در هریک از نیروهاست. برای نمونه اگر انسان شهوت در علم نداشته باشد، هیچ‌گاه به سوی علم نمی‌رود پس شهوت خود نیروی محرکه‌ای برای رفتن به سوی خیر و شر است. قابل توجه اینکه، نیروی علم، شهوت، عقل و غضب مجامع اخلاق‌اند و از این‌ها اخلاق فضیله و رذیله منشأ می‌گیرد و خُلق‌هایی منشعب می‌شود که اگر معتدل باشند، از آن حسن خلق و اخلاق و سیرت زیبا پیدا می‌شود و حکمت و ملکه حریت بروز می‌کند.

در این میان ملاصدرا به شرح مفصل هر یک از این نیروها و نقطه افراط و تفریط و تعادل آنها پرداخته است که در این گفتار به آنها نمی‌پردازیم، اما مطلب موردنظر ما این است که آیا عوامل چهارگانه‌ای که نام بردیم خودکارند یا از تأثیر و تحریکی منقلب می‌شوند؟ آیا اصولاً مرکزی برای کنترل شهوت یا غضب انسان وجود دارد و اگر هست چه عاملی موجب فروکش کردن یا کنترل نیروی افراط در غضب می‌شود؟

استاد می‌فرمایند: بر روی این پرسش خیلی فکر کردم به این نتیجه رسیدم که آنکه می‌خواهد به غضب، عقل یا علم رود باید یک حالت تأثیری در آن نیروها باشد و عاملی آنها را منقلب و متأثر سازد.

استاد در توضیح این حالت تأثیری فرمودند: دستگاه عصبی انسان عجیب ترین پدیده در جهان ماده و شامل دو نوع است: قسمتی در درون (اعصاب ارتباطی) و قسمتی در برون (اعصاب نباتی) است. اعصاب نباتی از غذایی که انسان میل کند تحریک می‌شود و اعصاب ارتباطی از مرکز مغز تحریک می‌شود.

اصولاً هر یک از این نیروها خودشان را به واسطه مغز بروز می دهند و مادر اصلی آن مرکز مغز انسان است؛ به گونه ای که اگر مرکز مغز انسان دچار اختلال شود، نه شهوت می تواند کار خود را به درستی انجام دهد و نه غضب. کار مغز این است که در هر ثانیه 120 هزار سیگنال عصبی می فرستد و از این چهار حالت انسان عکس برداری می کند و درمی یابد که فرضاً نیروی خشم و شهوت چه می کنند؟ چقدر توان دارند؟ به کجا می روند؟ چرا پیدا شدند؟ برای چه پیدا شدند و سرانجام چه می کنند؟ ممکن است ما خودمان از این امر غافل باشیم ولی ستاد عملیاتی مرکز مغز به این حالات واقف است که این فرد فرضی غضبش را کجا فرو می ریزد، چرا شهوتناک شد، این شهوتش برای چه هست و چرا شهوت دارد و این نیرو چگونه بروز می کند؟... پس بخش مرکزی مغز مدیریت و ستاد کل عملیات بدن را برعهده دارد و شهوت، غضب و علوم انسان را هدایت و کنترل می کند.

اما اگر بخواهیم از گذر دیگر به این سؤال بپردازیم که چه عاملی موجب فروکش کردن یا کنترل نیروی افراط در غضب می شود؟

استاد علامه سیدعلی موسوی در کتاب نفس(3)، ص194 ذیل تدریس جلد هشتم اسفار می فرماید: خدای متعال اراده را به عنوان نیروی برتر از شهوت و غضب در درون انسان قرار داده تا آن‌ها زیر پوشش عقل هدایت شوند و انسان بتواند حسن خیر و ثواب و قبح و زشتی عقاب را درک بکند.

قابل توجه اینکه، پیدایش غضب به واسطه نیروی حیوانی است، اما این نیرو با فرمان اراده کار می کند؛ یعنی اگر ما غضب را به کاسه ای تشبیه کنیم، اراده مانند دستی است که این کاسه را در خود گرفته و به حرکت در می آورد؛ اگر اراده بر آن نیرو مسلط باشد، نیروی غضب متعادل می شود در غیر این صورت غضب حالت افراطی به خود می گیرد. پس تمام کسانی که در حالت غضب نمی توانند خود را کنترل کنند؛ یعنی اراده شان بر غضب شان پیروز نشده است. چه اگر اراده بر نیروی غضب پیروز باشد، انسان می تواند متعادل رفتار کند.

آری، اراده نقش مهمی در سیر زندگی و اجتماعی انسان دارد، اما یکی از عواملی که موجب تحریک اراده می شود وجود یک «اصل» است. اگر انسانی موضوعی را به عنوان اصل و اعتقاد پذیرفته باشد، تمام نیروهایش در جهت آن اصل پیاده می شود؛ مثلاً شخصی مانند سعدبن وقاص ظهری در شرایطی به پیغمبر ایمان آورد که نزدیکترین کسانی به خاطر قرب به ایشان او را تهدید کرده و سرانجام از خانه بیرونش ساختند، اما او دست از پیغمبر و شیوه ایشان برنداشت و در این راه از هیچ شجاعت و استقامتی دریغ نوزید. پس باید یک اصلی باشد و باوری به آن اصل وجود داشته باشد تا انسان بتواند از خود رفتار شجاعانه بروز دهد، اما اگر اعتقاد و باور به اصل بودن اصل برای او محقق نشود، اراده هم نمی تواند بر نیروی غضب مسلط شود لذا امکاناً در شرایط تحریکی خشم انسان از حالت تعادل خارج شود.

منبع: رساله مقامات و منازل انسان (4) ذیل تدریس جلد نهم اسفار ملاصدرا و کتاب نفس (3) تألیف محقق و فیلسوف مثاله استاد سیدعلی موسوی